عمارت ملک التجار بوشهر

رزمگیر، علی رضا

چهارشنبه:صبح امروز استفاده از آب دریا و«آب گرم»را برای دفع چشم زخم‏ و شفا خوب می‏دانند.

پنجشنبه:برای انجام تمام امور خیر خوب است.عصر آن روز عده‏ای به زیارت‏ اهل قبور و اماکن مقدس می‏روند.در بعضی خانواده‏ها مقارن غروب آفتاب مقداری‏ نان و تخم‏مرغ نیمرو و ظرفی آب در یک سینی برای ملای محل یا محله می‏فرستند تا بخورد و فاتحهء اموات بدهد.این رسم در سالهای اول فوت اشخاص،تقریبا بطور مرتب انجام می‏شود.اما هرچه که از زمان فوت بگذرد و احتمالا به‏کلی ترک‏ می‏شود.در بعضی خانواده‏ها در صورتیکه به ملای محله دسترسی نباشد یکی از اعضاء باسواد خانواده مقداری غذا یا میوه و شیرینی می‏خورد و فاتحه می‏دهد.توجه به این‏ امر ناشی از این اعتقاد است که در چنین ساعاتی روح متوفی در فضای منزل در پرواز است و منتظر احسان فامیل خود می‏باشد به همین جهت در دادن فاتحه،عجله می‏کنند که‏ ارواح،زیاد معطل نمانند.یک نوع مگس سبز رنگ که به ندرت دیده می‏شود هرگاه در خانه‏ای دیده شود آن را به روح متوفی نسبت می‏دهند و مقداری آب بسوی آن می‏پاشند. خواندن دعای کمیل نیز بطور دسته‏جمعی یا انفرادی مرسوم است.

جمعه:روز جمعه برای انجام امور خیر مانند تشکیل مجالس عقد و ازدواج- مهمانی و دید و بازدید دوستانه و نیز تشکیل مجالس روضه‏خوانی و ضیافت و یادبود اموات مناسب و نیکوست.کسانی که عصر پنجشنبه فرصت رفتن به زیارتت اهل قبور نیافته‏اند عصر جمعه می‏روند.خواندن دعاب ندبه در صبح جمعه و دعای استقساء(طلب‏ باران)معمول و مرسوم است.اگر هوا روز جمعه ابری و بارانی شود بعضی معتقدند که‏ چندان دوامی ندارد و ابرها حداکثر تا فردای این روز(شنبه)پراکنده می‏شوند و این‏ جمله را بر زبان جاری می‏سازند.

جمعه بند،شنبه کند شنبه بند کی بکند.؟

یعنی اگر روز جمعه هوا ابری شود:روز شنبه صاف و روشن می‏شود،اما اگر شنبه هوا ابر یشود کی صاف و روشن خواهد شد؟

احمد سایبانی(بندر عباس)

عمارت ملک التجار بوشهر

عمارت ملک التجار در کوی بهمنی بندر بوشهر طبیعتا از بناهای زیبای دوران‏ قاجار به حساب می‏آمده و دست‏کم تا سال 1303 قمری یعنی درست زمانی که مرحوم‏ ملک المتکلمین وارد بندر بوشهر شدن و چند ماهی را با مرحوم فرصت الدولهء شیرازی‏ و سید جمال در این بنا بسر برد1،عمارت یاد شده و حمام آن چنان‏که از قرائن پیداست، لا بد در نهایت زیبایی و رونق خود بوده.اگرچه در توصیف این عمارت و یا هر (1)-رک:دکتر مهدی ملک‏زاده،زندگی ملک المتکلمین،تهران،(انتشارات علی اکبر علمی و شرکاء)،1325،ص 56.

بنای تاریخی دیگر،فرض آن است که باید به اسناد و مآخد معتبر و اصیل مراجعه نمود و حتی المقدور ار روایات و شنیده‏های کم‏اعتبار دوری جست،با اینهمه تا دست یافتن‏ به آن منابع،طرح برهی نقلها و روایات،آن هم وقتی که از چند زبان بازگو م شود، شاید خالی از فایده نباشد.

باری آنچه برخی کهنسالان بوشهری متفقا در توصیف خاطرات خود از این‏ عمارت به یاد دارند،زیبایی چشمگیر این بنا بوده است.عمارتی مرتفع در دو طبقه متشکل‏ از سه ساختمان که پاره‏ای از اتاقهای آن،اختصاص به خود ملک التجار و خانواده و اقربا و منسوبین او داشته،و جزوی هم ویژهء غلامان و چاکران و خدمتکارانش بود.سقف‏ اتاقها چوبین بوده و بعضا از چوبهای مرغوب هندوستان تهیه شده بود.دیوار و راهرو- های آن به صورت شکیلی گچ‏بریهای پرنقش و نگار داشته با رنگهای متناسب و هماهنگ‏ و شبیه به سبک میناتورهای صفویه.رنگ‏آمیزی اتاقها و هماهنگی رنگها باهم در کمال‏ سلیقه بوده،اما به تدریج آن نقشها بر آب شده و امروز از آن همه زیبایی چیزی‏ به چ‏ چشم نمی‏خورد.

در ضلع شرقی این عمارت،حمام اختصاصی ملک قرار دارد که اکنون به صورت‏ نیمه‏ویرانه برجای است.در ورودی حمام نیمه‏فرسوده و برخی دیوارهای اطراف‏ آن فروریخته است.دهلیز حمام،راهرو تاریک و باریکی که در روز روشن هم‏ به زخمت قابل‏رؤیت است.در نزدیکی حمام و در محاذات آن چند حلقهء چاه به ردیف‏ مشاهده می‏شود که اکنون بیشتر چاهها خشک شده و به صورت زباله‏دانی درآمده است. تنها حلقه‏ای چاه،با دلوی آویزان بر بالای آن به هنگام بی‏آبی(قطع آب لوله‏کشی)مورد استفادهء برخی از اهالی بهمنی قرار می‏گیرد.چاهی که سابقا آب حمام از آن تأمین می‏شده‏ در کنارهء دیوارهء جنوبی حمام کماکان باقی است و به گفتهء اهالی،آب این چاه به نسبت قدری‏ ناشیرین و گاه تلخ‏مزه است.این حمام چندی پس از فوت ملک التجار از صورت‏ خصوصی بودن درآمد و سالها پس از او نیز مدتها مورداستفادهء عموم اهالی بود. امروز حدود سی سال است که حمام از حیز انتفاع خارج شده و اکنون به صورت انبارگاه‏ درآمده و پیرمردی مسئول آن است.

باری هرگاه عمارت ملک و حمام اختصاصی او را مشاهده می‏کنم اگرچه شاید چندان جای مقایسه نباشد،به یاد استاد باستانی پاریزی و توصیف وی از دانشگاه کرمان، به‏ویژه کتابخانهء آن می‏افتم.استاد در سال 1356 در مجلسی که کنگرهء ایران‏شناسان و دانگشاه کرمان در بزرگداشت ایشان منعقد کرده بودند،از باب تشکر و تجلیل و تبجیلی‏ که از وی به عمل آمده بود،ضمن سخنرانی خود اظهار داشتند:«این مجلس گرم‏ در خانه‏ای تشکیل شده که امروز نام دانشگاه کرمان به خود گرفته اما در واقع منزل‏ شخصی اما جمعه کرمان مرحوم آقا سید جواد شیرازی(متوفی 1287 هـ/1765 م) و خصوصا آقا سید حسین امام جمعه فرزند او بوده است.»2«فکر می‏کنم دوستان عضو کنگره که امروز کتابخانهء دانشگاه کرمان را در محل حمام اختصاصی همین خانهء امام جمعه ملاحظه فرموده‏اند قبول خواهند کرد که آدمی که چنان حمام اختصاصی‏ باشکوه...ساخته است که هنوز دانشگاه کرمان نتوانست همهء گوشه و کنار آن را از کتاب و کتابخوان پر کند لا بد آدم متعینی بوده است»3و اینجاست که در برابر چنان خانه‏ای، دیدن عمارت ملک که در حال حاضر به صورت نیمه‏ویرانه‏ای محل بیتوتهء مهاجرانی‏ ره گم کرده و تهیدستانی پاک باخته درآمده،انسان را سخت متأثر و اندهگین می‏سازد. به‏ویژه آن‏که در برابر چنان حمامی که محل کتاب و کتابخوانی است،حمام ملک امروزه‏ مرکز کاه و کاهدانی است.

علیرضا رزمگیر(مشهد)

بهمنجنه،آش هودرده،و ناناکوسا و سنتهای مشابه در ژاپون

در شمارهء 7-8سال دوزادهم مجلهء معتبر آینده،مقاله‏ای به قلم پروفسور ایموتو تحت‏عنوان«ارمغان فرهنگ ایران به ژاپون»چاپ شده است،که در آن از سنتهائی‏ یاد شده است که به احتمال زیاد ریشهء ایرانی دارد و یا دست‏کم مشابهت آنها،بسیار قابل‏توجه است.که در زیر به اختصار به آنها اشاره می‏کنم:

«...ژاپونی‏ها در پائیز هفت گیاه و گل را آرایش می‏دهند...که به آن هفت گیاه‏ پائیزه و یا هفت‏چین می‏گویند.در بهار هم هفت‏گیاه را می‏آرایند که اینها گیاه خوراکی‏ است و رسم اخیر را«نانا کوسا»(هفت گیاه)می‏نامند و هفتمین روز سال تو هم به همین‏ نام خوانده می‏شود.این رسم به روزگاری بازمی‏گردد که مردم از کهتر و مهتر به صحرا می‏رفتند تا هفت گیاه خوراکی بجینند.ژاپونیها در این روز آشی از برنج و این‏ هفت سبزی می‏پزند و خوردن آن را برای تندرستی و آمد کارها در سال نو مؤثر می‏دانند».

«...رسم همانندی در گوشه و کنار ایران هنوز دیده می‏شود.»مثلا:«...مردم‏ دیهوک شب چهارم عید نوروز خمیرترش را با سبزی آش می‏کنند و برای آمد کار می‏خورند.(از کتاب زیر آسمان کویر/نوشته علی اصغر مهاجر)

(پاورزقی مقاله،صفحهء 353 آینده)

«...در کتاب انکین مایکی-هم آمده است که در روز هفتم سال(که در ژاپنی‏ این روز را ریشون می‏گویند)زنها لافوکو می‏خرند و می‏خورند...رسم چنین نشان‏ (2)-دکتر باستانی پاریزی،کوچه هفت پیچ،تهران،چاپ چهارم،(انتشارت نگاه)،1363،ص 218.

(3)-همان کتاب،حاشیهء ص 225 و 221.